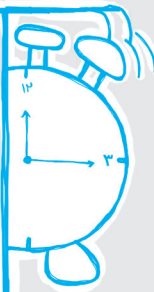


ساختار کتاب

کتاب فلسفه (۲) شب امتحان از چهار قسمت اصلی تشکیل شده است که به صورت زیر است:

- ۱- **آزمون‌های نوبت اول:** آزمون‌های شماره ۱ تا ۴ این کتاب مربوط به مباحث نوبت اول است که خودش به دو قسمت تقسیم می‌شود:
- الف) آزمون‌های طبقه‌بندی شده:** آزمون‌های شماره ۱ و ۲ را درس به درس طبقه‌بندی کرده‌ایم؛ بنابراین شما به راحتی می‌توانید پس از خواندن هر درس از درس‌نامه، تعدادی سؤال را بررسی کنید. حواستان باشد این آزمون‌ها هم، ۲۰ نمره‌ای و مثل یک آزمون کامل هستند.
- ب) آزمون‌های طبقه‌بندی نشده:** آزمون‌های شماره ۳ و ۴ را طبقه‌بندی نکرده‌ایم تا دو آزمون نوبت اول مشابه آزمونی را که معلمان از شما خواهد گرفت، ببینید.
- ۲- **آزمون‌های نوبت دوم:** آزمون‌های شماره ۵ تا ۱۲ از کل کتاب و مطابق امتحان پایان سال طرح شده‌اند. این قسمت هم، خودش به دو بخش تقسیم می‌شود:
- الف) آزمون‌های طبقه‌بندی شده:** آزمون‌های شماره ۵ تا ۸ را که برای نوبت دوم طرح شده‌اند هم طبقه‌بندی کرده‌ایم. با این کار باز هم می‌توانید پس از خواندن هر درس، تعدادی سؤال مرتبط با آن درس را پاسخ دهید. هر کدام از این آزمون‌ها هم ۲۰ نمره دارند؛ در واقع در این بخش، شما ۴ آزمون کامل را می‌بینید.
- ب) آزمون‌های طبقه‌بندی نشده:** آزمون‌های شماره ۹ تا ۱۲ را طبقه‌بندی نکرده‌ایم؛ پس، در این بخش با ۴ آزمون نوبت دوم، مشابه آزمون پایان سال معلمان مواجه خواهید شد. این آزمون‌ها به ترتیب امتحان‌های نهایی خرداد ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ و شهریور ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ است.
- ۳- **پاسخ‌نامه تشریحی آزمون‌ها:** در پاسخ تشریحی آزمون‌ها، همه آن‌چه را که شما باید در امتحان بنویسید تا نمره کامل کسب کنید، برایتان نوشته‌ایم.
- ۴- **درس‌نامه کامل شب امتحانی:** در این قسمت، همه آن‌چه را که شما برای گرفتن نمره عالی در امتحان فلسفه (۲) نیاز دارید تنها در ۱۳ صفحه آورده‌ایم، بخوانید و لذتش را ببرید!
- توجه:** به علت تغییرات محتوایی قابل توجه کتاب درسی فلسفه دوازدهم در ویرایش ۱۴۰۰، عملاً استفاده از آزمون‌های نهایی برگزار شده در سال‌های قبلی، کاربردی نیست.



بازم‌بندی درس فلسفه (۲)

شماره درس	پایانی اول	پایانی دوم دی و شهریور
درس ۱: هستی و چیستی	۳	۱
درس ۲: جهان ممکنات	۲/۵	۱
درس ۳: جهان علی و معلولی	۴	۱/۵
درس ۴: کدام تصویر از جهان؟	۳	۱
درس ۵: خدا در فلسفه - ۱	۴	۱/۵
درس ۶: خدا در فلسفه - ۲	۳/۵	۱
درس ۷: عقل در فلسفه - ۱	-	۲/۵
درس ۸: عقل در فلسفه - ۲	-	۲/۵
درس ۹: آغاز فلسفه در جهان اسلام	-	۲
درس ۱۰: دوره میانی	-	۲
درس ۱۱: دوران متأخر	-	۲/۵
درس ۱۲: حکمت معاصر	-	۱/۵
جمع	۲۰	۲۰

فهرست

صفحه نوبت آزمون	صفحه پاسخ‌نامه	نوبت	طبقه‌بندی شده / نشده	شماره آزمون
۳	۲۴	اول	(طبقه‌بندی شده)	آزمون شماره ۱
۵	۲۵	اول	(طبقه‌بندی شده)	آزمون شماره ۲
۷	۲۶	اول	(طبقه‌بندی نشده)	آزمون شماره ۳
۸	۲۷	اول	(طبقه‌بندی نشده)	آزمون شماره ۴
۹	۲۸	دوم	(طبقه‌بندی شده)	آزمون شماره ۵
۱۱	۲۸	دوم	(طبقه‌بندی شده)	آزمون شماره ۶
۱۳	۲۹	دوم	(طبقه‌بندی شده)	آزمون شماره ۷
۱۶	۳۰	دوم	(طبقه‌بندی شده)	آزمون شماره ۸ نهایی دی ۱۴۰۰
۱۸	۳۱	دوم	(طبقه‌بندی نشده)	آزمون شماره ۹ نهایی خرداد ۱۴۰۰
۱۹	۳۲	دوم	(طبقه‌بندی نشده)	آزمون شماره ۱۰ نهایی خرداد ۱۴۰۱
۲۱	۳۳	دوم	(طبقه‌بندی نشده)	آزمون شماره ۱۱ نهایی شهریور ۱۴۰۰
۲۲	۳۴	دوم	(طبقه‌بندی نشده)	آزمون شماره ۱۲ نهایی شهریور ۱۴۰۱
۳۵				درس‌نامه توپ برای شب امتحان

شماره	نوبت اول پایه دوازدهم	رشته: ادبیات و علوم انسانی	فلسفه (۲)
نمره	نوبت اول پایه دوازدهم	رشته: ادبیات و علوم انسانی	فلسفه (۲)
آزمون شماره ۱			
درس چهارم			
۰/۵		درستی یا نادرستی عبارات زیر را مشخص کنید.	۲۱
۰/۵		فیلسوف وظیفه‌ای در قبال مفاهیم عامیانه ندارد و کار او پرداختن به امور مهم و بنیادین است.	۲۲
۰/۷۵		فیلسوفی وجود ندارد که به طور صریح و روشن با معنای اول اتفاق موافق باشد.	۲۳
		هر یک از موارد ستون «الف» با کدام یک از عبارات ستون «ب» تناسب دارند؟ (یک مورد اضافی است).	
	ب	الف	
	○	○	نقض اصل علیت
	○	○	نقض اصل سنخیت
	○	○	وقوع رخداد پیش‌بینی نشده
	○		معنای دوم اتفاق
			معنای اول اتفاق
			معنای سوم
			معنای چهارم
۰/۵		به سؤال زیر پاسخ کوتاه دهید.	۲۴
		بیت «حمله دیگر بمیرم از بشر / تا برآرم از ملانک پر و سر» انکار کدام معنای اتفاق است؟	
۱/۲۵		به سؤال زیر پاسخ کامل دهید.	۲۵
		علت تامه و ناقصه را توضیح دهید و برای آن مثال بزنید.	
درس پنجم			
۰/۲۵	(مواستون باشه و اتوام اصلی سقراط رو به خاطر بیارید و به سقناتن شاگردش هم یک نیم‌نگاهی داشته باشید.)	درستی یا نادرستی عبارت زیر را مشخص کنید.	۲۶
		استفاده سقراط از لفظ خدایان، مبتنی آن است که وی به خدایان یونانی اعتقاد داشته است.	
۰/۲۵		جای خالی زیر را با کلمه مناسب کامل کنید.	۲۷
	 دلیل وجود خداوند را در تجربه‌های شخصی درونی ما می‌بیند.	
۰/۵		به سؤال‌های زیر پاسخ کوتاه دهید.	۲۸
۰/۲۵		چه کسی ضرورت وجود خدا را از طریق اخلاق و وظایف اخلاقی اثبات کرد؟	۲۹
		از نظر افلاطون معیار هر چیز، چیست؟	
۱		به سؤال‌های زیر پاسخ کامل دهید.	۳۰
۰/۷۵		زندگی معنادار چه نوع زندگی است و چگونه زندگی معنادار می‌شود؟	۳۱
		برهان حرکت را توضیح دهید.	
درس ششم			
۰/۲۵		درستی یا نادرستی عبارت زیر را مشخص کنید.	۳۲
		اشیای جهان واجب‌الوجود بالغير هستند و نیاز به یک واجب‌الوجود بالذات دارند.	
۰/۲۵		جای خالی زیر را با کلمه مناسب کامل کنید.	۳۳
		ملاصدرا استدلال خود را براساس مفهوم بنا نهاد.	
۰/۵		به سؤال زیر پاسخ کوتاه دهید.	۳۴
		بحث یک فیلسوف تا چه زمانی فلسفی است؟	
۱/۵		به سؤال‌های زیر پاسخ کامل دهید.	۳۵
۱/۵		از نظر یک فیلسوف پذیرش وجود خدا چه امکانی به ما می‌دهد و چه پیامدی به دنبال دارد؟	۳۶
		برهان وجوب و امکان را در اثبات وجود خدا توضیح دهید.	
۲۰	جمع نمرات	موفق باشید	

شماره	رشته: ادبیات و علوم انسانی	زمان آزمون: ۹۰ دقیقه	kheilisabz.com	فلسفه (۲)						
نمره	نوبت دوم پایه دوازدهم - نهایی خرداد ۱۴۰۰			آزمون شماره ۹						
۱	تعیین کنید کدام عبارت صحیح و کدام یک غلط می‌باشد. الف) حمل «جسم» بر «مداد و خودکار» به دلیل نیاز دارد. ب) برگه امتحانی که در زیر دست شما است، «واجب‌الوجود بالغیر» است. ج) رابطه علیت، رابطه‌ای وجودی است، مانند رابطه‌ای که میان دو دوست وجود دارد. د) فارابی برای ابطال تسلسل علل نامتناهی از این مقدمه استفاده کرد که «هر معلولی باید علتی داشته باشد».									
۱/۲۵	۲ جاهای خالی را با کلمات مناسب کامل کنید. الف) براساس نظر ملاصدرا که به نظریه «.....» معروف است، جهان هستی یکپارچه نیاز و تعلق به ذات الهی است. ب) از نظر هراکلیتوس «.....»، هم به معنای عقل به عنوان حقیقتی متعالی و برتر است و هم به معنای نطق و سخن. ج) در نظر حکمای ایران باستان «.....» که همان خداست، با خرد و اندیشه خود جهانیان و وجدان‌ها و خردها را آفریده است. د) سهروردی، کسانی را که هم در صور برهانی به کمال رسیده‌اند و هم به اشراق و عرفان دست یافته‌اند، «.....» می‌نامد. ه) «وجود» که محور فلسفه مشائی و «نور» که اساس فلسفه اشراقی بودند، در فلسفه به هم رسیده و یکی شدند.									
۱	۳ گزینه درست را انتخاب کنید. ۱) در قرن ۱۳ میلادی فلاسفه غرب، از طریق ابن سینا و ابن رشد، مجدداً با فلسفه (۱- افلاطون ۲- ارسطو) آشنا شدند. ۲) از نظر فلاسفه مسلمان، کشف علل امور طبیعی از طریق (۱- حس و تجربه ۲- عقل) صورت می‌گیرد. ۳) از نظر کانت، اختیار و اراده، ویژگی (۱- بدن ۲- نفس) است. ۴) در فلسفه سهروردی، عالم ماده (۱- مغرب کامل ۲- مغرب وسطی) نام دارد.									
۰/۷۵	۴ براساس نسبت‌های سه‌گانه در قضایا، جدول را کامل کنید.									
	<table border="1"> <tr> <td>الف:</td> <td>مثال برای رابطه امکانی</td> <td>ج:</td> </tr> <tr> <td>عدد ۲۵ فرد است.</td> <td>ب:</td> <td>مربع، سه‌ضلعی است.</td> </tr> </table>				الف:	مثال برای رابطه امکانی	ج:	عدد ۲۵ فرد است.	ب:	مربع، سه‌ضلعی است.
الف:	مثال برای رابطه امکانی	ج:								
عدد ۲۵ فرد است.	ب:	مربع، سه‌ضلعی است.								
۰/۷۵	۵ هر یک از عبارات زیر نظر کدام فیلسوف درباره خدا است؟ الف) نوعی از هستی وجود دارد که پیوسته ثابت است. <input type="radio"/> ب) تصور انسان از یک موجود علیم و قدیر و نامتناهی، از جانب خداوند داده شده است. <input type="radio"/> ج) ایمان هدیه‌ای الهی است که خداوند به انسان عطا می‌کند. <input type="radio"/> ۱- کرکور <input type="radio"/> ۲- افلاطون <input type="radio"/> ۳- کانت <input type="radio"/> ۴- دکارت <input type="radio"/>									
۰/۵	۶ به سؤال‌های زیر، پاسخ کوتاه بدهید. وجه مشترک و وجه اختصاصی موجودات را به ترتیب بنویسید.									
۱	۷ چهار مورد از ویژگی‌های موجودات عالم عقول از نظر فلاسفه الهی را بنویسید.									
۰/۵	۸ ارسطو بر چه مبنایی، عقل را به «نظری» و «عملی» تقسیم می‌کند؟									
۱	۹ دو شکل مخالفت با عقل را در جهان اسلام بنویسید.									
۱	۱۰ با توجه به نظر فیلسوفان مسلمان درباره «عقل فَعَال» به دو سؤال زیر پاسخ دهید. الف) وظیفه آن چیست؟ ب) مقام آن نسبت به انسان مانند چه چیز است؟									
۱/۵	۱۱ به سؤال‌های زیر، پاسخ کامل بدهید. نظر دیوید هیوم را درباره منشأ اعتقاد به علیت در نزد انسان توضیح دهید.									
۱	۱۲ «برهان حرکت ارسطو» مبنی بر اثبات وجود خداوند را بنویسید.									
۱/۵	۱۳ «برهان وجوب و امکان ابن سینا» را شرح دهید.									
۱/۵	۱۴ دکارت «عقل» را به کدام معنا به کار می‌برد و حدود و توانایی و جایگاه عقل نزد او چه میزان است؟									
۱/۵	۱۵ تفاوت «عقل هیولانی» و «عقل بالفعل» را توضیح دهید.									
۱/۵	۱۶ با توجه به نظر ابن سینا درباره طبیعت، به دو سؤال زیر پاسخ دهید. الف) تعریف طبیعت: ب) علت نام‌گذاری آن:									
۲	۱۷ «اصالت ماهیت» و «اصالت وجود» را تعریف کنید و یک فیلسوف از طرفداران هر یک از این دو نظریه را نام ببرید.									
۰/۷۵	۱۸ در فلسفه ملاصدرا با توجه به این که هستی، یک حقیقت واحد است، تعدد و تکرار در عالم چگونه تبیین می‌شود؟ (بدون ذکر تشبیه)									
۲۰	جمع نمرات موفق باشید									

پاسخ‌نامه تشریحی

آزمون شماره ۱ (نوبت اول)

- ۱- نادرست؛ توماس آکوئیناس که در قرن ۱۳ میلادی زندگی می‌کرد، فلسفه‌ای را در اروپا پایه‌گذاری نمود که بیشتر متکی به دیدگاه‌های «ابن سینا» و تا حدودی «ابن رشد»، دیگر فیلسوف مسلمان بود.
- ۲- درست؛ مفهوم انسان به عنوان یکی از چیستی‌ها با مفهوم وجود مغایر است و رابطه ذاتی میان آن‌ها برقرار نیست.
- ۳- اصل «مغایرت وجود و ماهیت» پایه‌ی یکی از برهان‌های ابن سینا در اثبات وجود خدا به نام برهان «وجوب و امکان» است.
- ۴- وجود همان وجه مشترک موجودات است و ماهیت همان وجه اختصاصی آن‌ها است.
- ۵- فارابی، فیلسوف بزرگ مسلمان، اولین فیلسوفی بود که، به نسبت میان وجود و ماهیت توجه ویژه‌ای کرد.
- ۶- حمل از نوع غیرضروری (شایع صناعی)
- ۷- این‌که ما انسان‌ها در موقعیت‌های گوناگون رفتاری طبیعی از خود نشان می‌دهیم، بیانگر آن است که می‌دانیم در اطراف ما چیزهایی واقعی هست که برحسب نیاز از آن‌ها استفاده می‌کنیم و نیازمان را برطرف می‌کنیم؛ یعنی قبول داریم که مثلاً غذا و آب هست و می‌توان با دست خود آن‌ها را برداشت و از آن‌ها استفاده کرد و بیانگر اصل پذیرش واقعیت است.
- ۸- درست؛ دریای حیوه ممکن‌الوجود است و محتمل است که وجود داشته باشد یا خیر.
- ۹- الف) شریک‌الباری (خداوند) موجود است ← رابطه امتناعی (امکان ندارد که شریکی برای خدا باشد).
- ب) مجموع زوایای داخلی مربع ۳۶۰ درجه است ← رابطه ضروری (قطعاً زوایای داخلی مربع ۳۶۰ درجه است).
- ج) این غذا سرد است ← رابطه امکانی (ممکن است این غذا سرد باشد و یا گرم).
- ۱۰- موضوعی را که نسبت به محمول وجود، رابطه محال دارد، امتناعی می‌گویند.
- ۱۱- همه پدیده‌هایی که اکنون موجود هستند، واجب‌الوجود هستند، اما نه به واسطه خودشان، بلکه به واسطه علت‌هایشان که آن‌ها را «واجب‌الوجود بالغیر» می‌نامند.
- ۱۲- حالت ممکن‌الوجود مانند ترازویی است که دو کفه آن در حالت تعادل قرار دارند و هیچ کفه‌ای بر دیگری ترجیح ندارد؛ حال اگر بینیم یکی از کفه‌ها به سمت پایین کشیده می‌شود، پس علت آن را از حالت امکان خارج کرده است، مانند انسان که یک ممکن‌الوجود است و به واسطه علتی از حالت ممکن‌الوجودی خود خارج شده است.
- ۱۳- اگر مفهومی را بیابیم که برای آن مصداقی وجود ندارد، بیانگر این است که این مفهوم هنوز از حالت امکانی خارج نشده است و علتی نیست که بتواند آن را به وجود بیاورد پس باید علتی باشد که آن را از حالت امکانی خارج کرده تا به وجود بیاید. هم‌چنین ممکن است آن مفهوم ممتنع‌الوجود باشد و هرگز دارای مصداق نشود.
- ۱۴- نادرست؛ رابطه وجودبخشی میان علت و معلول را «رابطه علتیت» می‌گویند. پس رابطه علتیت رابطه‌ای وجودی است که در آن، یک طرف (علت) به طرف دیگر (معلول) وجود می‌دهد.
- ۱۵- نادرست؛ در میان فیلسوفان تجربه‌گرا، دیوید هیوم، فیلسوف قرن ۱۸ انگلستان نظر خاصی دارد و با تجربه‌گرایان هم‌عقیده است که تنها راه شناخت واقعیات حس و تجربه است. دکارت معتقد بود که اصل علتیت بدون دخالت تجربه به دست می‌آید.
- ۱۶- مصراع اول از بیت «چو بد کردی مشو غافل ز آفات» که واجب شد طبیعت را مکافات» به اصل سنخیت اشاره دارد و مصراع دوم آن بیانگر وجوب علی است.
- ۱۷- دکارت، اصل علتیت را جزء اصول اولیه‌ای می‌دانست که انسان آن را به طور فطری درک می‌کند.

- ۱۸- تجربه‌گرایان که هر چیزی را براساس حس و تجربه تحلیل می‌کنند، معتقدند که انسان از طریق حس، توالی یا هم‌زمانی پدیده‌ها را مشاهده می‌کند و رابطه ضروری میان علت و معلول را درمی‌یابد.
- ۱۹- از نظر فلاسفه مسلمان اصل علتیت یک قاعده عقلی است و از تجربه به دست نمی‌آید؛ بلکه خودش پایه و اساس هر تجربه‌ای است. دانشمندان علوم طبیعی به دلیل پذیرفتن اصل علتیت دست به تجربه می‌زنند تا علل حوادث را پیدا کنند. پس هر تلاش تجربی خود مبتنی بر تجربه است. در عین حال این‌گونه هم نیست که انسان به طور مادرزادی در همان بدو تولد با آن آشنا باشد.
- ۲۰- رابطه علتیت رابطه‌ای وجودی است؛ یعنی وجود یک چیز ضرورتاً وابسته به دیگری است و اگر علت باشد معلول آن هم حتماً خواهد بود و اگر علت نباشد، معلول هم نخواهد بود، این رابطه با روابط دیگری که میان موجودات برقرار است؛ تفاوت دارد؛ مثلاً رابطه علتیت همانند رابطه دوستی نیست که در آن ابتدا وجود دو فرد فرض می‌شود و سپس میان آن‌ها دوستی برقرار می‌گردد.
- ۲۱- نادرست؛ یکی از اقدامات مؤثر و مهم فیلسوف، دقت در مفاهیم عامیانه و نقد و تصحیح یا تعمیق آن‌هاست.
- ۲۲- درست؛ فیلسوفی را سراغ نداریم که به طور صریح و روشن با معنای اول اتفاق موافق باشد. فیلسوفان معمولاً چنین اتفاقی را انکار می‌کنند.
- ۲۳- نقض اصل علتیت = معنای اول اتفاق
نقض اصل سنخیت = معنای دوم اتفاق
وقوع رخداد پیش‌بینی‌نشده = معنای چهارم اتفاق
- ۲۴- بیت «حمله دیگر بمیرم از بشر / تا برآرم از ملائک پَر و سر» انکار معنای سوم اتفاق که همان انکار غایت‌مندی و هدفداری است، می‌باشد زیرا این بیت در حال بیان یک کمال مشخص و معینی است.
- ۲۵- در مواردی که معلول از مجموعه‌ای از عوامل پدید می‌آید، هر یک از عوامل را «علت ناقصه» و مجموعه عوامل را «علت تامه» می‌نامند؛ مثلاً نوشتن روی کاغذ، معلول عواملی از قبیل انسان، قلم، گرفتن قلم در دست، اندیشه و ... می‌باشد. نوشتن وقتی پدید می‌آید که همه عوامل باشند (علت تامه) حتی اگر یک مورد هم نباشد آن معلول پدید نخواهد آمد (علت ناقصه).
- ۲۶- نادرست؛ سقراط، گرچه گاهی از لفظ خدایان استفاده می‌کرد اما گزارش‌های افلاطون از جریان محاکمه وی نشان داد که وی به خدای یگانه معتقد بوده است.
- ۲۷- ویلیام جیمز معتقد است که: «دلیل وجود خداوند عمدتاً در تجربه‌های شخصی درونی ما نهفته است.»
- ۲۸- کانت، فیلسوف بزرگ قرن هجدهم آلمان، به جای اثبات وجود خدا از طریق نظم یا برهان علتیت، ضرورت وجود خدا را از طریق اخلاق و وظایف اخلاقی اثبات کرد.
- ۲۹- افلاطون معیار هر چیزی را خداوند می‌داند و می‌گوید: «برای ما معیار هر چیزی خداست.»
- ۳۰- زندگی معنادار آن زندگی است که دارای هدف و مقصود متعالی و مقدس و آراسته به فضائل اخلاقی و کرامت انسانی باشد. از نظر فیلسوفانی مانند دکارت و کانت، در صورتی زندگی معنادار می‌شود که از پشتوانه قبول خداوند برخوردار باشد.
- ۳۱- برهان مشهور ارسطو، برهان حرکت نام دارد. او معتقد است که وجود حرکت در عالم نیازمند محرکی است که خود آن محرک، حرکت نداشته باشد، زیرا اگر آن نیز حرکت داشته باشد، نیازمند یک محرک دیگر است و آن محرک دوم نیز به همین ترتیب نیازمند محرک دیگری است و سلسله محرک‌ها تا بی‌نهایت جلو خواهد رفت و چنین تسلسلی عقلاً محال است.

۳۲- درست؛ پیام اصلی ابن سینا و پیروان او: موجودات جهان برحسب ذات خود ممکن‌الوجودند اما از این حیث که اکنون موجودند، واجب‌الوجود بالغیر هستند؛ یعنی از یک واجب‌الوجود بالذات نشئت گرفته‌اند.

۳۳- ملاصدرا استدلال خود را براساس مفهوم امکان فقری بنا نهاد.

۳۴- بحث فیلسوف خواه مسلمان، خواه مسیحی و یا پیرو هر مسلک دیگر، تا وقتی فلسفی است که از روش فلسفه یعنی استدلال عقلی استفاده کند و نتایج تفکر خود را به صورت استدلالی عرضه نماید.

۳۵- از نظر یک فیلسوف الهی، پذیرش وجود خداوند با صفاتی که دارد به انسان این امکان را می‌دهد که بتواند معیارهای یک زندگی معنادر را به دست آورد که عبارت‌اند از: (۱) جهان را غایتمند بیابد و آن را توضیح دهد. (۲) انسان را موجودی هدفمند بشناسد و این هدف را مشخص کند. (۳) برای انسان گرایش به خیر و زیبایی قائل شود و بداند که این خیر و زیبایی یک امر خیالی نیست، بلکه در یک حقیقت متعالی [یعنی خدا] وجود دارد. (۴) آرمان‌های مقدس و فراتر از زندگی مادی را معتبر و درست بداند و (۵) در برابر یک وجود برتر و متعالی احساس تعهد و مسئولیت نماید.

۳۶- ابن سینا با استفاده از دو مفهوم وجوب و امکان، برهانی به شرح زیر بنا می‌کند: (۱) وقتی به موجودات این جهان نگاه می‌کنم می‌بینم که در ذات خود نسبت به وجود و عدم مساوی‌اند و هم می‌توانند باشند و هم می‌توانند نباشند، به عبارتی ذاتاً ممکن‌الوجود هستند. (۲) ممکن‌الوجود بالذات برای خروج از حالت تساوی نیازمند علتی است که خودش ممکن‌الوجود نباشد بلکه واجب‌الوجود بالذات باشد؛ یعنی موجودی که وجود ذاتی اوست و از او جدا نمی‌شود. (۳) پس موجودات این جهان به واجب‌الوجودی بالذات وابسته‌اند که آن‌ها را از حالت امکانی خارج کرده و پدید آورده است.

آزمون شماره ۲ (نوبت اول)

۱- نادرست؛ ماهیت و وجود یک چیز در خارج عین هم و غیر قابل تفکیک‌اند ولی در ذهن مغایر و تفکیک شده‌اند.

۲- درست؛ حمل هستی بر چیستی نیازمند دلیل است و این دلیل می‌تواند حسی یا تجربی یا عقلی محض باشد.

۳- برهان وجوب و امکان ابن سینا منجر به پایه‌ریزی فلسفه تومیسیم در اروپا شد که به دست توماس آکوئیناس پایه‌گذاری شد.

۴- فلاسفه غرب با فلسفه «ابن سینا» و «ابن رشد» آشنا شدند و این آشنایی موجب شد که مجدداً با فلسفه ارسطویی ارتباط برقرار کنند.

۵- از آن جایی که «حیوان» و «ناطق» از اجزای تعریفی او هستند و هستی و چیستی او را تشکیل می‌دهند و بیان‌کننده ذات و حقیقت انسان می‌باشند، این دو مفهوم از هم جدایی‌ناپذیرند و حمل «حیوان ناطق» بر «انسان» به دلیل نیاز ندارد. اما رابطه دو مفهوم «وجود» و «انسان» این گونه نیست، زیرا این دو نسبتی با هم نداشته و رابطه ذاتی میان آن‌ها برقرار نیست پس نیازمند دلیلی برای حمل «وجود» بر «انسان» هستیم.

۶- نادرست؛ خروج از حالت تساوی برای موجود ممکن‌الوجود حتماً به واسطه علتی است نه غیر آن.

۷- الف) امروز هوا سرد است. = امکانی (ممکن است سرد باشد یا ممکن است نباشد).
ب) انسان ناطق است. = ضروری (رابطه بین انسان و ناطق یک رابطه ضروری است، زیرا ناطق ذاتی انسان است).

ج) عدد پنج زوج است. = امتناعی (امکان وجود چنین چیزی وجود ندارد).

۸- هرگاه موجودی به واسطه خودش موجود باشد به آن واجب‌الوجود بالذات می‌گویند اما اگر به واسطه علت‌هایشان موجود شوند به آن‌ها واجب‌الوجود بالغیر می‌گویند.

۹- این شکل در حال بیان این موضوع است که حالت ممکن‌الوجود مانند ترازویی است که دو کفه آن در حالت تعادل قرار دارند و هیچ کفه‌ای بر دیگری ترجیحی ندارد حال اگر ببینیم یکی از کفه‌ها به سمت پایین کشیده شده است و بر دیگری فزونی یافته است می‌گوییم حتماً علتی در کار بوده است که یک کفه را پایین آورده، زیرا عقلاً محال است که خودبه‌خود یک کفه بر کفه دیگر سنگینی کند و به سمت پایین حرکت نماید.

۱۰- تقسیم موجودات به واجب و ممکن میسر نیست بلکه این موجودات به «واجب‌الوجود بالذات» و «واجب‌الوجود بالغیر» تقسیم می‌شوند. اما اگر موجودات عالم را، با توجه به دانشان در نظر بگیریم، می‌توانیم به «واجب‌الوجود» و «ممکن‌الوجود» تقسیم کنیم.

۱۱- نادرست؛ انسان با سؤال «چرا» می‌کوشد از طریق استدلال، رابطه‌های علی میان پدیده‌ها را بشناسد.

۱۲- در میان فیلسوفان تجربه‌گرا، دیوید هیوم، معتقد است که رابطه ضروری میان علت و معلول یک موضوع را نمی‌توان از طریق حس و تجربه به دست آورد.

۱۳- از نظر فیلسوفان، پس از شکل‌گیری ذهن و درک اصل امتناع اجتماع نقیضین است که وقتی کودک حرکتی را مشاهده می‌کند، به دنبال منشأ صدا و عامل حرکت برمی‌آید.

۱۴- امکان ذاتی داشتن یک معلول به این معناست که این معلول ذاتاً نسبت به وجود و ماهیت رابطه تساوی دارد و می‌تواند باشد یا نباشد و برای موجود شدن حتماً نیازمند به علتی است تا با آن به وجود بیاید و ضرورت یابد.

۱۵- اصل «سنخیت میان علت و معلول» به این معناست که نمی‌تواند هر چیزی منشأ هر چیز دیگری باشد و نظم خاصی با این اصل در جهان برقرار می‌شود، به عبارت دیگر هر علت، معلول خاص خود را پدید می‌آورد. همانند این که وقتی ما بذر گلی را می‌کاریم انتظار رشد همان گل را داریم نه چیز دیگری غیر از آن را.

۱۶- از میان فیلسوفان اروپایی، دکارت معتقد بود که اصل علتیت بدون دخالت تجربه به دست می‌آید و جزء اصول اولیه‌ای است که انسان آن را به طور فطری درک می‌کند؛ یعنی هر انسانی با درکی از رابطه علتیت متولد می‌شود و درک این رابطه نیازمند تجربه و یا آموزش نیست، زیرا پذیرش و قبول این رابطه مقدمه و پایه هر آموزشی است.

۱۷- نادرست؛ پذیرش اتفاق در معنای اول به معنای انکار اصل علتیت و وجوب علی و معلولی است.

۱۸- ابن سینا در کتاب الهیات شفا در مورد «اتفاق» و مفاهیم دیگری از قبیل «شانس» سخن گفته است. الهیات شفا مهم‌ترین کتاب فلسفی ابن سینا است.

۱۹- آن دسته از فیلسوفانی که به خداوند و علت نخستین برای جهان معتقد نیستند.
۲۰- هرگاه از یک علت خاص، معلولی غیر از آن را طلب کنیم و پدیدآمدن هر چیزی از هر چیزی را ممکن بدانیم اتفاق در معنای دوم را پذیرفته‌ایم که منجر به انکار اصل سنخیت می‌شود.

۲۱- این معنا از اتفاق یعنی رخ‌دادن حادثه‌ای پیش‌بینی نشده که با هیچ‌کدام از اصول اصل علتیت مخالف نیست. به طور مثال شخصی برای خرید به سمت بازار می‌رود و در بین راه به صورت اتفاقی آشنایی را می‌بیند و از دیدن او خوشحال می‌شود.

۲۲- درست؛ دسته‌ای از فیلسوفان تجربه‌گرا که به خدا اعتقاد داشتند، برهان نظم را معتبر می‌دانستند و از این برهان در اثبات وجود خدا استفاده می‌کردند.

۲۳- نادرست؛ اتهام اصلی سقراط این بود که: «خدایانی را که همه به آن‌ها معتقدند، انکار می‌کند و از خدایی جدید سخن می‌گوید.»

۲۴- نادرست؛ کرگور معتقد است که ایمان هدیه‌ای الهی است که خداوند به انسان می‌بخشد و نیازی به استدلال و پشتوانه عقلی ندارد.

۲۵- دیوید هیوم، فیلسوف حس‌گرا و تجربه‌گرای قرن هجدهم، مهم‌ترین برهان فیلسوفان الهی را برهان نظم می‌داند.

۲۶- افلاطون، توصیفی از نوعی هستی ارائه می‌دهد که کاملاً بر توصیف خدا در ادیان الهی منطبق است.

۲۷- کانت برخلاف دیگر فیلسوفان به جای اثبات وجود خدا از طریق براهین مختلف، ضرورت وجود خدا را از طریق اخلاق و وظایف اخلاقی اثبات کرد.

۲۸- ارسطو چنین بیان می‌کند: «به طور کلی هر جا یک خوب‌تر و بهتر وجود دارد، خوب‌ترین و بهترین نیز هست. حال، در میان موجودات، برخی خوب‌تر و بهتر از برخی دیگرند، پس حقیقتی هم که خوب‌ترین و بهترین باشد وجود دارد که از همه برتر است و ایمان همان واقعیت الهی است.» این برهان ارسطو را «برهان درجات کمال» نامیده‌اند.

۲۹- نادرست؛ ابن سینا معتقد است که عشق و محبت به خیر و زیبایی اختصاص به انسان ندارد و هر موجودی در این جهان از جاذبه عشق الهی بهره‌مند است.

- ب) کاتینگهام معتقد است که قبول خداوند زندگی ما را در بستری قرار می‌دهد که آن را با ورزش می‌سازد.
- ج) کانت معتقد است که اثبات ضرورت وجود خدا از طریق وظایف اخلاقی امکان‌پذیر است.
- ۱۱- از نظر هیوم این برهان توانایی اثبات یک وجود ازلی و ابدی و نامتناهی را ندارد. این برهان فقط می‌تواند وجود یک ناظر و خالق را اثبات کند که این جهان را اداره می‌کند اما این برهان می‌تواند اثبات کند که این ناظم و خالق همان خداوندی است که نیاز به علت ندارد و واجب‌الوجود بالذات است.
- ۱۲- ملاصدرا نظریه خود را که در مقابل ابن سینا بود امکان فقری نامید.
- ۱۳- دو مورد از معیارهای یک زندگی معنادار از نظر فلاسفه مسلمان غایت‌مند یافتن جهان و شناختن انسان به عنوان موجودی هدفمند است.
- ۱۴- فارابی می‌گوید در جهان پیرامون ما اشیایی هستند که وجودشان از خودشان نیست و معلول هستند. معلول نیازمند علتی مقدم بر خود است و اگر علت هم خودش معلول و نیازمند علت باشد و آن علت هم نیازمند علت دیگری باشد و این سلسله تا بی‌نهایت ادامه یابد و ابتدایی در کار نباشد، یعنی باید بی‌نهایت موجود به وجود بیاید و چنین چیزی امکان‌پذیر نیست.
- ۱۵- هراکلیتوس از حقیقتی به نام لوگوس سخن می‌گوید که هم به معنای حقیقتی متعالی و هم سخن و کلمه است.
- ۱۶- علم موجودات عالم عقول یا همان فرشتگان به حقایق اشیاء از طریق شهود است.
- ۱۷- عقل از آن جهت که درباره اشیاء و موجودات و چگونگی آن‌ها بحث می‌کند عقل نظری نام دارد؛ مانند: بحث درباره خداوند و کیهانشان. عقل از آن جهت که درباره رفتارهای اختیاری انسان و بایدها و نبایدها بحث می‌کند عقل عملی نام دارد؛ مانند: انسان باید راست بگوید و نباید دروغ بگوید.
- ۱۸- دکارت به همه توانایی‌های عقل مانند بدیهیات عقلی، استدلال‌های عقلی محض و نیز تجربه توجه داشت و معتقد بود که عقل می‌تواند وجود خدا و نفس مجرد انسان و اختیار او را اثبات کند و دیگر به عقل به عنوان یک حقیقت برتر و متعالی در جهان قائل نبود. او عقل را صرفاً یک دستگاه تفکر و استدلال به حساب می‌آورد.
- ۱۹- مرحله‌ای را که در آن عقلی هیچ ادراکی ندارد اما استعداد درک معقولات را دارد عقل هیولانی می‌نامند.
- ۲۰- از نظر فلاسفه مسلمان استدلال عقلی، شهود و وحی هر سه ما را به حقیقت واحد می‌رساند.
- ۲۱- فیلسوفان در پاسخ این مخالفان می‌گویند اولاً بسیاری از نظرات سقراط و افلاطون و ارسطو با عقاید اسلامی و آموزه‌های اسلامی سازگار است و ثانیاً فلسفه، دانش و شاخه‌ای از معرفت است که هر فردی از هر ملت و نژادی می‌تواند وارد آن شود.
- ۲۲- مانند آفتاب است نسبت به چشم، همان‌طور که آفتاب نوربخشی می‌کند تا چشم انسان ببیند و بینا شود، عقل فعال نیز نخست چیزی به قوه عقل آدمی می‌رساند به طوری که فعالیت‌های عقلی برای انسان ممکن می‌شود و در نتیجه عقل شروع به فعالیت می‌کند و به ادراک حقایق نائل می‌شود.
- ۲۳- نادرست، از نظر ابن سینا تمام امور جهان حتی اگر در ظاهر بد باشند اما در نهایت به سوی خیر مطلق در حرکت هستند.
- ۲۴- الف) مغرب کامل / ب) نورالانوار / ج) حکیم متاله
- ۲۵- طبیعت مرتبه‌ای هستی است که رو به سوی مقصد خاص دارد و این مقصد در ذات عالم طبیعت است و از آن جدایی‌ناپذیر می‌باشد.
- ۲۶- درست، از نظر ملاصدرا وجود حقیقتی واحد است؛ پس جایی برای تکثیر واقعی در عالم وجود ندارد.
- ۲۷- اصالت ماهیت: از میان دو مفهوم وجود و ماهیت، ماهیت است که اصیل و واقعی است و واقعیت خارجی مابازاء ماهیت است و وجود صرفاً یک مفهوم انتزاعی ذهنی و اعتباری است، میرداماد معتقد به اصالت ماهیت بود.
- ۲۸- از نظر ملاصدرا هستی حقیقتی واحد است اما این حقیقت واحد دارای درجات مراتب و شدت و ضعف است و در مقام تشبیه، این حقیقت واحد مانند یک کانون نور درخشان است.

- ۱- الف) نادرست؛ حمل «جسم» بر مدام و خودکار نیاز به دلیل ندارد؛ زیرا جسم جزء ویژگی‌ها و اوصاف ذاتی مدام و خودکار است.
- ب) درست؛ برگه امتحانی ذاتاً یک ممکن‌الوجود است و می‌تواند وجود داشته باشد یا نداشته باشد، اما از آن جهت که الان موجود شده است یک واجب‌الوجود بالغیر است؛ زیرا به واسطه علتی غیر از خود وجود یافته است.
- ج) نادرست؛ رابطه علیت رابطه وجودی است، یعنی وجود یک چیز ضرورتاً وابسته به وجود دیگری است. رابطه علیت همانند رابطه دوستی نیست که در آن ابتدا وجود دو فرد فرض می‌شود و سپس میان آن‌ها دوستی برقرار گردد.
- د) درست؛ فارابی برای بطلان تسلسل علل نامتناهی بیان کرد که هر معلول برای پدیدآمدن نیازمند علتی است و تا علتی نباشد چیزی به وجود نخواهد آمد.
- ۲- الف) براساس نظر ملاصدرا که به نظریه «امکان فقری» یا «فقر وجودی» معروف است، جهان هستی یکپارچه نیاز و تعلق به ذات الهی است.
- ب) هراکلیتوس عقیده داشت که «لوگوس» هم به معنای عقل به عنوان حقیقتی متعالی و برتر است و هم به معنای نطق و سخن.
- ج) در نزد حکمای ایران باستان «مزدا» همان خداست که با خرد و اندیشه خود، جهانیان و وجدان‌ها و خردها را آفریده است.
- د) از نظر سهروردی، حکیم متاله کسی است که هم در صور برهانی به کمال رسیده است و هم به اشراق و عرفان دست یافته است.
- ه) در حکمت متعالیه یا حکمت صدرایی، وجود که محور فلاسفه مشائی و نور که اساس فلسفه اشراقی بود، به هم رسیدند.
- ۳- الف) در قرن ۱۳ میلادی فلاسفه غرب از طریق ابن سینا و ابن رشد، مجدداً با فلسفه ارسطو آشنا شدند.
- ب) فلاسفه مسلمان معتقدند با این‌که کشف علل امور طبیعی از طریق حس و تجربه صورت می‌گیرد؛ اما خود اصل علیت از این طریق به دست نمی‌آید.
- ج) از نظر کانت، اختیار و اراده نمی‌تواند ویژگی بدن باشد که ماده‌ای مانند سایر مواد است بلکه باید ویژگی نفسی غیرمادی باشد.
- د) در جغرافیای عرفانی سهروردی، مغرب کامل جهان تاریکی یا عالم ماده است که بهره‌ای از روشنایی ندارد.
- ۴- الف) رابطه وجوبی
- ب) انسان هنرمند است (یا هر مثال درست دیگر)
- ج) رابطه امتناعی
- ۵- الف) ۲- افلاطون / ب) ۴- دکارت / ج) ۱- کرکگور
- ۶- وجود همان وجه مشترک [شباهت] موجودات است و ماهیت همان وجه اختصاصی [تفاوت] موجود است.
- ۷- ۱) موجوداتی کاملاً روحانی و غیرمادی هستند. ۲) فوق عالم طبیعت‌اند. ۳) فیض خداوند از طریق آن‌ها به عوالم دیگری می‌رسد. ۴) همان فرشتگان الهی هستند. ۵) حقایق را از طریق شهود درک می‌کنند. ۶) نیازی به استدلال ندارند.
- ۸- ارسطو عقل را براساس کاری که انجام می‌دهد به عقل نظری و عقل عملی تقسیم کرد.
- ۹- ۱) تنگ و محدود کردن دایره اعتبار و کارآمدی عقل در عین پذیرش آن ۲) مخالفت با فلسفه و منطق، تحت عنوان دستاوردی یونانی و غیراسلامی
- ۱۰- الف) عقل فعال عامل فیض‌رسانی به عقل انسان‌ها است، یعنی تمام ادراکات و دانش‌ها به مدد این عقل صورت می‌گیرد.
- ب) مقام و منزلت عقل فعال نسبت به انسان، مانند آفتاب است نسبت به چشم
- ۱۱- از نظر دیوید هیوم، تنها راه شناخت واقعیات، حس و تجربه است، اما اصل علیت و رابطه ضروری میان علت و معلول را نمی‌توان از حس و تجربه به دست آورد. از نظر هیوم اعتقاد به علیت در نزد انسان ناشی از عادت ذهنی است که آن را تداعی می‌نامد که آن را یک امر روانی بر اثر توالی و پشت سر هم آمدن پدیده‌ها می‌داند.

ب) همه هستی‌هایی که به واسطه وجود علشان وجود یافته‌اند، واجب‌الوجود بالغیر هستند.
 ج) وجود از نظر ملاصدرا بر دو قسم است: وابسته (نیازمند) و غیروابسته (غیرنیازمند).
 د) هراکلیتوس لوگوس را هم به معنای وجودی متعالی و هم به معنای نطق یا سخن یا کلمه به کار می‌برد.

ه) از نظر فارابی و ابن سینا اولین مخلوق خدا عقل اول نام دارد.

و) دو کتابی که علامه طباطبایی برای تدریس فلسفه در دو ساعت نوشتند عبارت بود از: *بداية الحکمة و نهاية الحکمة*.

۳- الف) نوع حمل در قضیه «لوزی شکل است» با قضیه «انسان حیوان است» تناسب دارد.
 ب) رابطه میان موضوع و محمول در قضیه «عدد ۷ زوج است» امتناعی است.

ج) از نظر فارابی مقام و منزلت عقل فعال نسبت به انسان مانند آفتاب به چشم است.
 ه) از نظر فیلسوفان مسلمان نام دیگر عقل هیولانی عقل بالقوه است.

و) شواهد الربوبية از آثار ملاصدرا است.

۴- الف) هیوم معتقد بود که تداعی علّیت چیزی جز یک حالت روانی ناشی از توالی پدیده‌ها نیست.

ب) دکارت اصل علّیت را جزء اصول اولیه‌ای می‌دانست که درک انسان از آن فطری است.
 ۵- برای اثبات خداوند از برهان درجات کمال و برهان حرکت استفاده کرده است.

۶- برهان فارابی برای اثبات وجود خدا مبتنی بر محال بودن تسلسل نامتناهی علت‌ها است.
 ۷- الف) اوگوست کنت فیلسوفی تجربه‌گرا بود. ب) فرانسس بیکن فیلسوفی تجربه‌گرا بود.

۸- از ویژگی‌های موجودات عالم عقل از نظر فیلسوفان الهی می‌توان به مجردبودن از ماده و جسم، در قید زمان و مکان نبودن، نیازنداشتن در افعال خود به ابزار مادی، شهودی‌بودن علم آن‌ها به حقایق و غیر قابل درک بودن با حواس ظاهری اشاره کرد.

۹- از نظر فلاسفه مسلمان علاوه بر استدلال عقلی دو روش دیگری که ما را به حقیقت می‌رساند شهود و وحی است.

۱۰- الف) مؤسس حکمت مشاء در جهان اسلام فارابی بود. ب) حکمت مشاء متکی بر آرای فیلسوف یونانی، ارسطو بود.

۱۱- سفر عرفانی در خلق با حق با مبحث علم‌النفوس و مراحل شکل‌گیری آن تا رسیدن به مرحله معاد در ارتباط است.

۱۲- از جمله اقدامات علمی و فرهنگی علامه طباطبایی می‌توان به تدریس فلسفه ناظر بر مسائل فلسفی روز، احیای تدریس و تفسیر قرآن کریم در ارتباط با مراکز دانشگاهی و فرهنگی و تربیت شاگردان اشاره کرد.

۱۳- در رابطه علّیت یا همان رابطه وجودی، وجود یک چیز ضرورتاً وابسته به وجود دیگری است، و اگر علت باشد، معلول آن هم حتماً خواهد بود و اگر علت نباشد، معلول هم نخواهد بود. این رابطه با روابط دیگری که میان موجودات برقرار است تفاوت دارد، مثلاً رابطه علّیت همانند رابطه دوستی نیست که در آن ابتدا وجود دو فرد فرض می‌شود و سپس میان آن‌ها دوستی برقرار می‌گردد.

۱۴- مجموعه عوامل ایجادکننده معلول را علت تامه می‌گویند و هر یک به تنهایی را علت ناقصه می‌گویند.

۱۵- مقدمه اول: من از حقیقتی نامتناهی و دانا و توانا که خود من و هر چیز دیگری به وسیله او خلق شده‌ایم، تصویری دارم.
 مقدمه دوم: این تصور نمی‌تواند از خودم باشد، زیرا من موجودی متناهی‌ام، این تصور از هیچ موجود متناهی دیگر هم نیست.

نتیجه: پس این تصور از یک وجود نامتناهی است. اوست که می‌تواند چنین ادراکی را به من بدهد.

۱۶- عقل نظری: عقل از آن جهت که درباره اشیا و موجودات و چگونگی آن‌ها بحث می‌کند.
 عقل عملی: عقل از آن جهت که درباره رفتارهای اختیاری انسان و باید‌ها و نبایدهای او بحث می‌کند.

۱۲- ارسطو معتقد است که وجود حرکت در عالم، نیازمند محرکی است که خود آن محرک، حرکت نداشته باشد، زیرا اگر آن نیز حرکت داشته باشد، نیازمند یک محرک دیگر است و آن محرک دوم نیز به همین ترتیب نیازمند محرک دیگری است و سلسله محرک‌ها تا بی‌نهایت جلو خواهد رفت و چنین تسلسلی عقلاً محال است.

۱۳- ابن سینا معتقد است که موجودات اطراف ما در ذات خود ممکن‌الوجود بالذات هستند یعنی نسبت به وجود و عدم حالت تساوی دارند.

این ممکن‌الوجود بالذات برای خارج‌شدن از حالت تساوی میان وجود و عدم نیازمند یک واجب‌الوجود است.

پس موجودات این جهان به واجب‌الوجودی بالذات وابسته‌اند که آن‌ها را از حالت امکانی خارج کرده و پدید آورد.

۱۴- دکارت به همه توانایی‌های عقل مانند بدیهیات عقلی، استدلال‌های عقلی محض و نیز تجربه توجه داشت. او معتقد بود که عقل می‌تواند وجود خدا و نفس مجرد و غیرمادی انسان و اختیار او را اثبات کند. او به عالم عقل به عنوان یک عالم برتر و متعالی در جهان معتقد نبود و عقل را صرفاً همان دستگاه تفکر و استدلال به حساب می‌آورد که می‌تواند ابزار شناخت انسان قرار بگیرد.

۱۵- اولین مرحله عقل، عقل بالقوه یا هیولانی نام دارد و آن هنگامی است که انسان هیچ ادراک عقلانی ندارد، اما استعداد و آمادگی درک معقولات را دارد. مانند انسانی که تازه متولد شده است.

سومین مرحله عقل، عقل بالفعل نام دارد که در این مرحله، عقل شکوفا شده است و به فعلیت رسیده و با تمرین و تکرار، دانش‌هایی را کسب کرده است.

۱۶- الف) تعریف طبیعت: از نظر ابن سینا، طبیعت مرتبه‌ای از هستی است که رو به سوی مقصدی خاص دارد و این مقصد در ذات عالم طبیعت است.

ب) علت نام‌گذاری آن: نام‌گذاری این عالم به «عالم طبیعت» به این جهت است که اجزای این عالم هر کدام طبع و ذات خاصی دارند که منشأ حرکات و تغییرات اجزا و افراد عالم طبیعت می‌باشد و خود این عالم به عنوان «کل» طبع و ذاتی دارد که منشأ و مبدأ حرکات و تحولات است.

۱۷- اصالت ماهیت: امر واقعی خارجی، مصداق ماهیت است؛ یعنی آن‌چه که واقعی است و در خارج وجود دارد ماهیت است نه وجود، وجود صرفاً یک مفهوم انتزاعی است. اصالت وجود: در این نظر، وجود است که اصل و واقعی است و واقعیت خارجی ماباء و مصداق وجود است پس وجود اصالت دارد نه ماهیت.

فیلسوف معتقد به اصالت ماهیت: میرداماد (استاد ملاصدرا)

فیلسوف معتقد به اصالت وجود: ملاصدرا

۱۸- از نظر ملاصدرا، با این‌که هستی یک حقیقت واحد است، اما این حقیقت واحد، دارای درجات، مراتب و شدت و ضعف است.

وجود نیز که حقیقتی واحد است، در تجلیات و ظهورهای خود دارای مراتبی می‌شود و هر مرتبه‌ای از وجود به میزان درجه وجودی خود ظهور آن حقیقت واحد و یگانه است.

آزمون شماره ۱۰ (نوبت دوم)

۱- الف) درست

ب) نادرست؛ مفاهیم «مربع سه‌ضلعی» و «پرنده» به ترتیب «ممتنع‌الوجود» و «ممکن‌الوجود» هستند.

ج) درست

د) نادرست؛ در ابتدای رنسانس که تحولات اجتماعی و فکری معمولاً در تقابل با حاکمیت کلیسا رقم می‌خورد، عقل جایگاه ممتازی پیدا کرد و یگانه معیار و مرجع درستی و نادرستی افکار و عقاید تلقی شد؛ در حالی که قبل از آن، به خصوص در دوره اول حاکمیت مسیحیت در اروپا (حدود قرن سوم تا نهم) بزرگان کلیسا دخالت و چون و چرا کردن عقل را عامل تضعیف ایمان می‌دانستند.

ه) درست

و) درست

۲- الف) انسان در هر چیزی که می‌بیند دو جنبه (وجه، حیثیت) می‌یابد، وجود (هستی) و ماهیت (چیستی).

درس نامه توپ برای شب امتحان

ذاتی بین آن‌هاست و نیازمند به دلیل نیستیم را حمل اولی ذاتی می‌گویند.
۳- حملی که بین موضوع و محمول رابطه ذاتی نباشد و نیازمند به دلیل هستیم را حمل شایع صناعی می‌گویند (حمل وجود بر ماهیت از همین نوع است).

حمل اولی ذاتی: مفهوم موضوع و محمول یکی است: مثلث شکل سه ضلعی است.
شایع صناعی: مفهوم محمول غیر از موضوع است: انسان حرکت کننده است.

گذری تاریخی بر مفهوم وجود و ماهیت

- فرق بین ماهیت و وجودی تردیدی یکی از اساسی‌ترین آرا و عقاید فلسفی در تفکر اسلامی است.
- بحث «مغایرت وجود و ماهیت» پایه برهان «وجوب و امکان» ابن سینا است.
- توماس آکوئیناس که از فیلسوفان بزرگ اروپا است «اصل مغایرت وجود و ماهیت» را پایه برهان‌های خود در خداشناسی قرار داد و آن را در اروپا گسترش داد. او بنیان‌گذار فلسفه «تومیسیم» است.
- فلسفه آکوئیناس بیشتر مبتنی بر آرای «ابن سینا» و تا حدودی آرای «ابن رشد» بود.
- آشنایی فلاسفه غرب با دیدگاه‌های «ابن سینا» و «ابن رشد» موجب ارتباط مجدد با فلسفه ارسطویی شد.

درس ۲: جهان ممکنات

نسبت‌های سه‌گانه در قضایا

بر اساس رابطه‌ای که بین موضوع و محمول وجود دارد، قضایا به سه دسته تقسیم می‌شوند:

نوع قضیه	وجوبی	امکانی	امتناعی
ویژگی	محمول یک قضیه ذاتی موضوع است و برای آن ضرورت دارد به هیچ وجه نمی‌توان احتمال کذب آن را داد.	محمول یک قضیه ضروری نیست و هم می‌تواند بر موضوع حمل شود و هم موضوع می‌تواند آن را نپذیرد.	برقراری ارتباط بین موضوع و محمول غیرممکن است و موضوع آن محمول را نمی‌پذیرد. کذب این قضیه ضروری است. %۵۰
مثال	خداوند خالق جهان است.	علی دانش‌آموز درس خوانی است.	عدد چهار زوج نیست.

رابطه وجود با موضوع‌های مختلف

حمل هستی (وجود) بر هر موضوعی موجب پدیدآمدن سه رابطه فوق می‌شود. هر ماهیت در یکی از ۳ قسم زیر وجود دارد:

نوع ماهیت	واجب الوجود	ممکن الوجود	ممتنع الوجود
تعریف	موضوعی که نسبت به محمول وجود رابطه حتمی دارد.	موضوعی که نسبت به محمول وجود رابطه امکانی دارد.	موضوعی که نسبت به محمول وجود رابطه محال دارد.
ویژگی	قطعاً وجود دارد و وجود برای آن ضروری است.	نه ضرورت دارد که وجود داشته باشد نه ضرورت دارد که عدم باشد.	هیچ‌گاه وجود نخواهد داشت و وجود برای آن محال است.
مثال	خداوند	خاک، انسان، روح	شریک‌الباری، سیاه سفید

درس: هستی و چیستی

برای آشنایی و درک یکی از مباحث اولیه فلسفه یعنی دو مفهوم هستی (وجود) و چیستی (ماهیت) نیازمند برداشتن چهار قدم مقدماتی و مهم هستیم.

قدم اول: قبول واقعیت‌هایی قابل شناخت

هنگامی که به دنبال نیازهایی، رفتاری طبیعی از خود نشان می‌دهیم بیانگر آن است که در اطرافمان چیزهایی وجود دارد؛ یعنی قبول داریم که آن‌ها واقعاً هستند. ما انسان‌ها می‌دانیم که اشیا و موجوداتی پیرامون ما وجود دارند و می‌توانیم به آن‌ها علم پیدا کنیم. واقعیت: همه چیزهایی که در اطراف ما هستند هر کدام یک واقعیت هستند و نه یک توهم و خیال.

قدم دوم: مفهوم وجود و ماهیت و اهمیت آن‌ها

این دو مفهوم از پرکاربردترین مفاهیم میان انسان‌ها هستند و در کنار هم به کار می‌روند.

هر موجودی دو جنبه دارد:	
۱) موجود بودن (هستی داشتن)	۲) ماهیت داشتن (چیستی داشتن)
وجود: به معنای هستی و همان وجه ماهیت: به معنای چیستی داشتن و مشترک موجودات است. وجه اختصاصی موجوات جهان است.	

استفاده از کلمات «این» و «آن» نشان می‌دهد که ما به وجود چیزی پی برده‌ایم اما ماهیت و چیستی آن‌ها آگاه نیستیم. گاهی اوقات در عین این‌که به وجود چیزی علم داریم اما از ماهیت بی‌اطلاعیم و سؤال «چیست» را مطرح می‌کنیم. ماهیت و چیستی هر شیء بیان‌کننده ذاتیات آن شیء است.

قدم سوم: رابطه میان وجود و ماهیت

اولین فیلسوف مسلمان که به رابطه وجود و ماهیت توجه ویژه‌ای داشت فارابی بود و پس از آن ابن سینا ادامه‌دهنده راه وی بود.

- وجود و ماهیت دو مفهوم از یک چیز هستند و نه دو جزء از یک چیز.
- ماهیت و وجود یک شیء از نظر مفهومی در ذهن متمایز و مغایر هستند اما از نظر مصداقی در جهان خارج مشترک و عین هم هستند.
- بنابراین تفاوت آن‌ها صرفاً در جهان ذهن و از نظر مفهومی است و ما در جهان خارج، دو مفهوم جداگانه نداریم.

قدم چهارم: حمل وجود بر ماهیت

حمل نیازمند به دلیل	حمل بی‌نیاز از دلیل
هرگاه دو مفهوم با یکدیگر مغایر باشند و رابطه ذاتی میان آن‌ها برقرار نباشد حمل وجود بر آن نیازمند دلیل است مانند حمل وجود بر انسان که مفهوم وجود با انسان مغایر است و رابطه‌ای بین آن‌ها نیست. این نوع حمل، از نوع حمل غیرضروری است.	هرگاه یک چیز بیان‌کننده ذات و حقیقت یک چیز باشد از آن جدا نمی‌شود و حمل این مفهوم نیازمند دلیل نمی‌باشد مانند حمل ناطق بر انسان. این نوع حمل، از نوع حمل ضروری است.

نکات: ۱- هنگامی که برای حمل یک چیز نیازمند دلیل هستیم، این دلیل هم می‌تواند از طریق حسی یا تجربی شناسایی شود و یا از طریق عقل محض.
۲- حملی که ذاتیات مانند (حیوان ناطق) بر ذات مانند (انسان) حمل می‌شود و رابطه